

بازشناخت ابعاد عینی و ذهنی زیباشناسی معماری اسلامی در دوران معاصر

محمدصادق کریمی^۱

ابراهیم مرادی^{*۲}

چکیده

در طول تاریخ، زیبایی به‌عنوان جاذبه‌ای ازلی مطرح بوده و در رشته‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. زیبایی تنها امری ذهنی نیست، بلکه باید آن را به‌عنوان حقیقتی عینی درک کرد. بناهای دوران اسلامی به‌عنوان پدیده‌های مهم شهری، از نظر ویژگی‌های زیباشناسانه اهمیت ویژه‌ای دارند. از این رو، در دهه‌های گذشته پژوهشگران خارجی و داخلی به بررسی جنبه‌های گوناگون آن پرداختند. این تحقیق به صورت خاص، بر بُعد زیبایی‌شناسی محیط و کالبد معماری تاکید دارد. این کار پژوهشی به روش «تحلیلی-کاربردی» انجام شده است و در حوزه مطالعات میدانی، «روش پیمایشی» با ابزار گردآوری داده از راه مشاهده «عینی» از بناهای اسلامی و «پرسش‌نامه» به روش ذهنی صورت گرفته است. اولویت‌بندی داده‌های عینی و ذهنی زیبایی از کالبد و مکان معماری، به خصوص معماری اسلامی دوران معاصر در کانون توجه این پژوهش بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معیارهای عینی و ذهنی مردم و معماران اندکی با هم تفاوت دارد، اما ادراک عینی زیبایی از محیط و کالبد معماری در هر دو گروه، موضوعی مهم است. همچنین، بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که زیبایی ساختار، کالبد و فضای معماری بر درک عینی و ذهنی زیبایی‌شناسی معماری اثری مهم دارد.

هدف‌های پژوهش:

بررسی ابعاد عینی و ذهنی زیبایی‌شناسی معماری اسلامی

تحقیق و اولویت‌بندی شاخص‌های زیبایی‌شناسی در بُعد عینی و ذهنی در معماری اسلامی معاصر

سوالات پژوهش:

ابعاد عینی و ذهنی زیبایی‌شناسی چگونه در آثار معماری اسلامی دوران معاصر نمود پیدا کرده است؟

زیبایی ساختار و فضای معماری چه تاثیری بر درک عینی و ذهنی زیبایی‌شناسی معماری دارد؟

واژگان کلیدی: زیبایی‌شناسی، معماری اسلامی، مفهوم عینیت، مفهوم ذهنیت، دوران معاصر

^۱ . دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

sadeghkarimi64@yahoo.com

^{*۲} . (نویسنده مسئول) استادیار گروه باستانشناسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران. moradi@ilam-iau.ac.ir

مقدمه

بی‌گمان، جمال یا زیبایی دلکش‌ترین پدیده هستی است و ادراک زیبایی نیز برجسته‌ترین امتیاز معنوی انسان محسوب می‌گردد. انسان همواره زیبایی را تجربه کرده و مجذوب آن شده و به آفرینش آن دست یافته است (یوسفیان، ۱۳۷۹: ۱۳۶). بسیاری از نظریه پردازان که دست کم به زمان افلاطون برمی‌گردند، زیبایی را به عنوان یکی از خصایص اشیا می‌دانستند که منجر به تجربه‌ای لذت بخش در ادراک کننده‌ها می‌شود (تاتارکوویچ، ۱۳۸۱). زیبایی‌شناسی در آغاز، شناختی تجربی یا عملی بود ولی به تدریج با دانشی نظری مبدل گردید و سرانجام در سده هجدهم به صورت یکی از مباحث نظری و مباحث فلسفه درآمد. در حال حاضر، زیبایی‌شناسی با آنکه علم جوانی نیست با دو مانعی که در مقابل آن قرار داشته، به حد کافی از نظام بر خوردار نشده است. از یک طرف، زیبایی‌شناسی همانند روانشناسی، با حالات و عوامل درونی انسانی، یعنی ادراک و عاطفه، غم و شادی، زیبایی و اراده و غریزه سرو کار دارد و از طرف دیگر، مفهوم و احکام آن شدیداً نسبی است؛ به این معنی که هر کس یا هر گروه مفاهیم زیبایی‌شناسی را به خواست خود تعبیر و ارزش‌گذاری می‌کنند و ما را به اصول یا الگوهای سنجیده‌ی که فرآیند هنر آفرینی و هنر پذیری را هدایت و تسهیل می‌کنند، نایل می‌گرداند. با این که زیبایی‌شناسان در مورد ملاک‌های زیبایی، هم‌داستان نیستند، هر شیئی یا پدیده‌ای را که در هنر پذیر، احساس خوشایندی برانگیزد، اعم از اینکه زمینه‌ای طبیعی یا هنری داشته باشد، زیبا و برخوردار از زیبایی می‌دانند (یوسفیان، ۱۳۷۹: ۱۳۵ و ۱۳۶). در این هنگام، زیبایی می‌تواند تسلی‌بخش، مشوق‌کننده، مقدس یا نا مقدس باشد؛ زیبایی می‌تواند مسرت‌بخش، جذاب، الهام بخش و یا خوف برانگیز باشد. زیبایی می‌تواند به انهنای مختلفی (اسکروتن، ۱۳۹۳: ۹) برای انسان‌ها، متفاوت و تاثیر گذار باشد. در کل زیبایی جزو نیازهای متعالی انسان بوده و به میزان سلامت، طول عمر و به مثابه متحرکی برای شکوفایی (Smith, ۱۹۷۶ & ۲۰۰۳) استعدادها و تجربیات انسان در طول زمان مطرح است. عواملی بر اساس تجربیات فردی و جمعی از گذشته و حال در مواجهه با پدیده زیبایی، ذهنیت دهنده و به وجود آورنده تصویر ذهنی برای انسان هستند (پاکزاد، ۱۳۷۵). انسان بر مبنای این توقع ذهنی و ادراکی که از واقعیت یا پدیده‌های محیط دارد، یک عینیت را به نحو خاصی بازشناسی می‌کند (دامپار، ۱۳۹۲: ۹۲) بر این اساس می‌توان گفت توقعات مردم از زیبایی بر اساس توقعات ذهنی می‌تواند کاملاً متفاوت هم باشد. در دوران پس اسلام، معماری ایران به‌عنوان بخش عظیمی از میراث فرهنگی و هنری جهان اسلام مطرح شد. با ظهور اسلام، هنرمندان و معماران سعی کردند تا از اصول و ارزش‌های گذشته و اعتقادات اسلامی در کارهایشان بهره نمایند (بمانیان، ۱۳۸۶: ۴۰-۳۸) و زیبایی را به نمایش بگذارند که از امور اخلاقی، اعتقادی و معنایی شکل گیرد.

چندین دهه است که پژوهش در خصوص ابعاد مختلف معماری دوران اسلامی توسط محققان بزرگ خارجی و داخلی در حال صورت پذیرفتن است. از بزرگ‌ترین این محققان می‌توان به هانری کوربن، تیتوس بورکهارت و سید حسین نصر، حسن بلخاری قهی و شهرام پازوکی اشاره نمود که سهم بسزایی در این عرصه داشته‌اند. با توجه به پژوهش‌هایی که در زمینه زیبایی‌شناسی انجام گرفته، اما هم‌چنان کمبودهایی در حوزه مطالعاتی و پژوهشی حوزه زیبایی‌شناسی معماری و آثار اسلامی وجود دارد. بر این اساس محقق سعی دارد با تاکید بر اولویت‌بندی شاخص‌های زیبایی‌شناسی معماری دوران اسلام به صورت ذهنی و عینی اقدام نماید. تحقیق حاضر با روش «تحلیلی-کاربردی» در حوزه مطالعات میدانی، «روش پیمایشی» با ابزار گردآوری داده به روش «پرسش‌نامه» انجام گرفته است. همچنین در مطالعه‌ی کاربردی، داده‌های مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. بر اساس بررسی آمار توصیفی و شاخص‌ها، نسبت به بررسی روابط همبستگی میان متغیرهای وابسته و متغیرهای مستقل پرداخته شده است. طبق نتایج به دست آمده که حاصل نتایج آمار استنباطی هستند. با توجه به نوع داده‌ها، که از نوع داده‌های رتبه‌ای هستند و از طیف ۴ گزینه‌ای که برای پاسخ‌ها در نظر گرفته شده است و از آزمون گاما در نرم افزار Spss برای استخراج معیارها استفاده شده است.

زیبایی‌شناسی در معماری

یکی از اهداف معماری آفرینش اثر زیبا یا خوشایند است. موضوع علم زیبایی‌شناسی نیز تشخیص و درک عواملی است که در ادراک فرآیند یک شیء یا پدیده‌ی تجربی زیبا نقش دارند و درک توانایی انسان برای ابداع جلوه‌هایی است که از نظر علم زیبایی‌شناسی خوشایند به حساب می‌آیند (لنگ، ۱۳۸۱: ۲۰۷). موضوع زیبایی‌شناسی کالبدی؛ نقش و تاثیر اشکال، تناسبات، ریتم، مقیاس، پیچیدگی، رنگ و سایه روشن محیط ساخته شده و طبیعی است. یکی از رویکردهای مهم در زیبایی‌شناسی کالبدی رویکرد «گشتالت» است. این رویکرد با توجه به عناصر اصلی هندسه و محیط شروع و با در نظر گرفتن این عناصر و کاربرد آنها در ترکیب دنبال می‌شوند. در این حالت عناصر شامل نقطه، خط، سطح و حجم است که می‌توان محیط را به این عناصر تجزیه کرد و در ترکیب، بحث اصول سازماندهی عناصر^۴ وحدت، هماهنگی، نظم، ایجاز^۵ و نهایت سادگی^۶ مدنظر است (لنگ، ۱۳۸۱). زیباشناسی توضیح چپستی زیبایی و نحوه ادراک ما از آن و نیز تحلیل سطوح و گونه‌های آن است (آیوازبان، ۱۳۸۱: ۲). قابلیت است برای درک بهتر ادراکات و همچنین پدیده‌های سخت (مانند تندیس) و نرم (مانند موسیقی) و باعث تغییر در روحیه و نگرش می‌گردد (الکساندر، ۱۳۸۱). هنگامی که در مورد زیبایی مطالعه می‌کنیم در می‌یابیم؛ که مفهوم زیبایی‌شناسی در طول تاریخ، دلالت بر معانی مختلفی داشته است (گروتر، ۱۳۹۱: ۱۰۱ و ۹۹). زیبایی و ادراک حسی مرتبط با نظم و یکنواختی، در عین دارا بودن تضاد و تنوع، ترکیب‌بندی، اعتدال، تقارن، توازن، تناسب، هماهنگی، وضوح، تعیین و قطعیت دانسته شده است، در عین حالی که زیبایی در ادراک آدمی دانسته شده و هستی مستقلی برای آن فرض نشده است (ریخته‌گران، ۱۳۸۴: ۱۱؛ مددپور، ۱۳۸۳: ۲۸؛ احمدی، ۱۳۸۸: ۲۰؛ گات و لوپس، ۱۳۸۶: ۳۲-۳۵؛ هنفلینگ، ۱۳۸۱: ۶۹). برخی ادراک زیباشناختی را مرتبط با عواملی همچون وحدت در کثرت، تناسب‌های خاص، ترتیب و ترکیب معینی از اجزاء، خط‌ها، رنگ‌ها و فضاهای سه‌بعدی برمی‌شمارند که می‌توانند منجر به ایجاد فرم‌های خوشایند و لذت‌بخش گردند. البته ادراک زیباشناختی صرفاً با حواس میسر نیست و نیازمند استفاده از قوه تشخیص، ذوق و حساسیت است (همان: ۹۹-۹۸).

ابعاد عینی و ذهنی زیبایی‌شناسی

بحث زیبایی‌شناسی به معنایی که ما امروزه درک می‌کنیم کاملاً جدید بوده و مبانی خاص خودش را دارد. دو دیدگاه نسبت به زیبایی‌شناسی وجود دارد؛ دیدگاه عینی و ذهنی، هر چند که دیدگاه عینی ریشه در تفکرات ذهنی دارد و این که ذهن بدون تجلی و عینی شدن، نمی‌تواند زیبایی ماده را درک کند. در ادامه به بررسی دیدگاه عینی و ذهنی زیبایی از دیدگاه صاحب نظران اشاره می‌شود. اگرچه زیبایی به عنوان واقعیتی عینی و تجلی یافته مورد تردید نیست. همان طور که از دیدگاه اسلام حسن بدون تجلی نمی‌شود. اما برخی معتقد هستند که پذیرش غلبه وجه عینی بر وجه ذهنی جای تردید ندارد. در مباحث اسلامی عینی بودن زیبایی، اصل قطعی و پذیرفته شده ای است. در عالم حقیقتی است عینی و متعالی که مفهوم و محتوی آن بستگی به سطح تفکرات متفکر و همچنین بستگی به ابزار "عقل، ادراکات حسی و عاطفی، ذوق و سلیقه" دارد که محقق و ناظر از زیبایی برداشت می‌نمایند.

دو مورد در ارتباط با زیبایی‌شناسی ذهنی در فضای شهری وجود دارد: ۱- تجربه‌ای لذت‌بخش، رها از مفاهیم و بدون هدف عملکردی را شامل می‌شود ۲- در زیبایی‌شناسی ذهنی، نه تنها عوامل حسی، بلکه دانش، فرهنگ و الگوهای از پیش تعیین شده نقش دارند (کریمی، ۱۳۸۹: ۵۸). دیدگاه اول بر پایه تعریف «کانت» از زیبایی است؛ از نظر وی با وجودی که عواملی چون دانش و فرهنگ در ارتقای تجربه زیبایی‌شناسی موثر است؛ اما عوامل مذکور، عوامل ثانویه

inclusiveness^۴
 conciseness^۵
 maximal simplic^۶

محسوب می‌شوند و دیدگاه دوم مربوط به تفکری است که معتقد به تاثیر گذاری عوامل فرهنگی در زیبایی‌شناسی دارد (مولوی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

مقوله ذهنی بر تفکر تاکید می‌ورزد و مقوله عینی بر تجربه تاکید دارد. تجربه تعبیری است از هرگونه فعالیت عینی موثر و مرکب از دوگونه فعالیت: مشاهده و آزمایش. مشاهده؛ ادراک دقیق پدیده است و آزمایش؛ مشاهده‌ای است همراه با مداخله‌ی انسان. تجربه با آنکه فعالیت عینی است، از تاثیر ویژگی‌های ذهنی تجربه کننده جدا نیست. چون مقدمه هر تجربه‌ای یک سلسله اعمال و احکام ذهنی است؛ افکار یا لفظ دیگر، فلسفه‌ی شخصی محقق نیز در کار او موثر است. زیرا محقق با فلسفه‌ی شخصی خود، به موادی که از تجربه می‌گیرد، نظام و شکل معینی می‌بخشد (Hegel). علم جمال، تا حدی روانشناسی انسان شیفته‌ی زیبایی است. زیرا انسان شیفته زیبایی، خواصی دارد که علم جمال با نفوذ در زندگی او می‌کوشد آن‌ها را دریابد. از این رو زیباشناسی پی بردن به تب و تاب‌ها و هیجانات عاطفی انسان دست خوش زیبایی است. (یوسفیان، ۱۳۷۹: ۱۴۲-۱۴۰).

پیتورسک با تاکیدی معمارانه بر جنبه‌های بصری- هنری منظر از جمله توجه به کثرت از تنوع، مقیاس انسانی، طبیعت‌گرایی و نظمی ارگانیک در فرم و ترکیب رنگ، توسط افرادی چون زیتنه، گیبرد و هالپرین رواج می‌یابد (Sitte, 1966; Halprin, 1966; Gibberd, 1945). با این حال به تدریج زیبایی شهری از حوزه تاکید عینی و احساسی و تخصص‌گرایانه مربوط به کیفیات بصری یعنی فرم، رنگ و بافت به حوزه مطالعات ادراکی-ذهنی انتقال پیدا کرد. استفان کاپلان، تاکید دارد اطلاعات مردم و میزان آشنایی با منظر (و محیط شهری و کالبدی) جهت کشف اطلاعات جدید در ترجیح زیبایی تاکید دارد (Kaplan, 1987). مطالعات کاپلان نشان می‌دهد، ترجیحات زیبایی‌شناسی را نمی‌توان جدا از مفاهیم ذهنی افراد نسبت به مکان دانست. چرا که ادراک زیبایی همراه با عواطف شخصی و پیش‌زمینه ذهنی فرد در ارتباط است (Kaplan & Kaplan, 1991). نول معتقد است شناخت زیبایی، فرآیندی ادراکی است که از مرحله عملکرد ذهنی و فعالیت حواس تا مرحله فعالیت‌های عملی و بروز الگوهای رفتاری ادامه می‌یابد. هم‌چنین برای این فرآیند گسترده ادراکی چهار سطح مختلف ادراک زیبایی‌شناسی قائل می‌شود که عبارتند از: سطح ادراک حسی، ادراک معنایی، ادراک نشانه‌ای و سطح ادراک نمادین (Nohl, 2001) به نقل از امین زاده، ۱۳۸۹).

کیفیات زیبایی‌شناسی از منظر بعد عینی و ذهنی

هنگامی که شخصی با امری زیبا، اعم از زیبایی هنری و طبیعی مواجه می‌گردد، می‌تواند نوع کیفیات زیباشناختی را که درک می‌کند بر دو گونه بیان کند (موسوی رکنی، ۱۳۹۴: ۵۴). به عنوان مثال شخصی که در داخل فضا یا در برابر بنای معماری قرار گرفته است؛ عبارتی که او می‌تواند در بیان و یا تشخیص ادراکات شخصی خود دریافت می‌کند به این دو شکل است:

الف) اثر معماری زیبا و جذاب است. (دریافت ادراک حسی و برانگیخته شدن حالات مختلف عاطفی به صورت آنی برای ناظر).

ب) این اثر معماری زیبا و جذاب به نظر می‌رسد.

براین اساس زیبایی برای شخص می‌تواند به دو گونه برداشت شود: ۱- دریافت ادراک حسی و برانگیخته شدن حالات مختلف عاطفی به صورت آنی برای ۲- یا به صورت مقایسه‌ای و توقعات ذهنی شخص.

در جمله الف) ناظر، با حضور و با دریافت ادراکاتی که از بنای معماری دارد زیبایی و جذابیت معماری را به صورت آنی درک می‌کند در حالی که در جمله ب) ناظر ادراکاتی از ویژگی‌های مختلف کالبد و محیط کسب می‌کند. لذتی از زیبایی و جذابیت معماری در ذهنش مستند می‌نماید؛ گویی که ناظر به دنبال کیفیت‌ها و ویژگی‌هایی مختلف از

زیبایی دارد که به صورت توقعات ذهنی و کشف هیجانانگیزی و عاطفی می‌پردازد. با این حال شخص در تصورات ذهنی و عینی از کیفیات زیباشناسانه معماری درک دارد در برابر ویژگی‌های متعدد زیبایی معماری مواجه است که شامل: ویژگی فیزیکی، محیطی، هنری، مفهومی، بصری و غیره ... دارد زیبایی را قضاوت کرده و به آن‌ها واکنش عاطفی نشان می‌دهد. البته عملکرد بنا نیز در میزان جذابیت بنا بی‌تاثیر نیست.

معیارهای عینی و ذهنی در بررسی زیبایی‌شناختی معماری اسلامی

تحقیق در زمینه‌ی زیبایی‌شناسی از روش‌های متعددی می‌تواند جستجو و شناخته شود. و هر روشی تا اندازه‌ای به کشف حقیقت زیبایی اذهان دارد. با توجه به مباحث گفته شده، نگارنده تحقیق از دو مقوله عینی و ذهنی به مسئله زیبایی‌شناسی معماری دوران اسلام می‌پردازد. در حوزه‌های زیبایی‌شناسی لازم است تا عوامل و عناصر عینی و ذهنی که چارچوب پرسش‌نامه را در بر می‌گیرند، شناسایی شوند. بر این اساس مجموعه‌ای از شاخص‌ها و ویژگی‌های کالبد معماری اسلامی در سوالات پرسش‌نامه استفاده شده است تا به صورت عینی و ذهنی نسبت به اولویت‌ها زیبایی‌شناسی در نظر گرفته تا موجبات ادراکات زیبایی محیط و کالبد مشخص شود. ابعاد مورد توجه در بررسی تمامی مصادیق معماری دوران اسلام شامل بر شاخص‌ها زیر:

- ۱- فرم معماری ۲- فضای معماری ۳- هندسه ۴- عناصر معماری ۵- تزیینات ۶- حس مکان ۷- وحدت و تنوع
- ۸- محیط و مکان ۹- معنایی و مفاهیم در معماری اسلامی ایران

فرمی معماری

نکته اصلی زیبایی‌شناسی فرمی توجه به ساختار محیط است. بر اساس این دیدگاه بیان معماری از کارکرد خط، سطح و فرم به دست می‌آید. ویژگی‌های فرمی از طریق ساختارسطوح، بافت‌ها، روشنایی و رنگ به محیط شکل می‌دهند و تداعی‌هایی که الگوها ایجاد می‌کنند، لذت‌بخش و دلپذیرند. نظریه‌پردازان این مکتب از جمله آرنه‌ایم، آلبرز، کلی و کاندینسکی همگی بر نقش ارزش بیانی الگوهای فرم در تجربه زیبایی‌شناسی تأکید دارند. ادراک فرم با استفاده از قوانین نیروهای فضایی و فرآیند هم‌شکلی نظریه گشتالت قابل توضیح است. ارزش‌های فرمی از نظم حسی به وجود می‌آیند. موضوع ارزش‌های فرمی لذت‌بخش بودن ساختار یا الگوهای فرایند هنری مورد نظر است. شناخت نظام موجود در الگوها از نکات مورد نظر بحث ادراک است (لنگ، ۱۳۸۱: ۲۱۳ و ۲۱۸ تا ۲۲۲). آرنه‌ایم بهترین تحلیل را در حوزه‌ی مکتب فرم‌گرایی زیبایی‌شناسی دارد. او معتقد است که جزییات اشکال با توضیح هندسه، اندازه، کمیت و قرارگیری فرم در فضا تحلیل می‌شود. «همواره نیروهای بصری وجود دارند که گسترش یافته و جمع می‌شوند، فشار و کشش ایجاد می‌کنند، طلوع و افول می‌نمایند، پیش روی و عقب نشینی می‌کنند، این نیروها تعیین‌کننده‌ی معنا و بیان هنری هستند». بنابر نظر آرنه‌ایم اشیاء مولد این نیروها هستند که در فضای پیرامون گسترده می‌شوند، و با نیروهای مشابه صادر از اشیاء مجاور تعامل دارند (رودولف آرنه‌ایم، ۱۳۸۲: ۲۰۵). معماری با اتحاد فرم و فضا در یک وجود واحد، نه تنها وسیله‌ای برای تأمین مقاصد عملکردی است بلکه، بازگوکننده مفاهیم نیز هست. این بدین معناست که، هنر معماری نه تنها به زیست ما عینیت می‌بخشد بلکه، به آن مفهوم نیز می‌دهد (چینگ، ۱۳۸۲: ۳۸۶).

فضای معماری

فضا در معماری؛ کلیه فعالیت‌های فردی و اجتماعی فرد را در بر می‌گیرد. انسان در فضا نیازهای مادی و معنوی خود را تأمین می‌کند. جوهر اصلی معماری فضا هست و در فضای معماری انسان حرکت و زندگی می‌کند (قائمی‌فر، ۱۳۹۵: ۴۴ و ۴۵). فضا در مفهوم موجود خویش به تنهایی هیچ ویژگی خاصی را مطرح نمی‌کند ولی به محض آن که یک گروه

انسانی فعالیت را در مکانی مطرح کند، معنای نمادین فضا مطرح می‌شود. فضا بستری برای بیان فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی می‌گردد؛ محلی برای تخیل و واقعیت (حبیبی، ۱۳۸۲). به طور کلی معماری از دو عنصر فرم و فضا تشکیل یافته است. جوهر اصلی طراحی رابطه متقابل این دو عنصر است. در فرهنگ ما معمولاً فقط توده در نظر گرفته می‌شود. آگاهی از فضا تنها منوط به فعالیت مغز نیست، بلکه کلیه حواس و عواطف انسان در آن دخالت دارد (بیکن، ۱۳۷۶: ۱۵ در نقره کار، ۱۳۸۰). این درحالی است که عناصر فیزیکی و کمیت‌ها، نیز به‌عنوان تعریف‌کننده فضا، معرفی می‌شوند. بحرینی می‌گوید: "مهم‌ترین مشخصه فضا شکل آن است" (بحرینی، ۱۳۷۷: ۵). نقی‌زاده و امین‌زاده نیز با تاکید بر عوامل فرهنگی، چنین می‌گویند: "عناصر و عوامل شکل‌دهنده فرهنگ‌ها، از عوامل اصلی تعریف‌کننده فضا هستند" (نقی‌زاده و امین‌زاده، ۱۳۸۲-الف: ۱۴۸). ایشان در جای دیگری می‌گویند: "انسان در مقام استفاده‌کننده از فضا، به میزانی به ادراک حقیقت فضا نزدیک می‌شود که دستگاه فکری او با دستگاه فکری شخصی که فضا را پدید آورده است، سنخیت داشته باشد" (نقی‌زاده و امین‌زاده، ۱۳۸۲-ب: ۱۱۶). از نظر صارمی: "معماری به خودی خود با توده‌ای از احجام سروکار دارد، که این احجام شکل خاصی دارند و ما در اولین نگاه توده‌ی معماری را می‌بینیم" (صارمی، ۱۳۷۸: ۱۷۲، در نقره کار، ۱۳۸۰). در تفکر اسلامی، فضا و مکان (عالم) از آن جهت که محضر خداست، تقدس یافت. و اینکه احاطه‌ی خداوند بر موجودات عالم، آن را به مثابه‌ی تجلی مادی کیفیت معنوی و روحانی مطرح نمود (معظمی، ۱۳۹۰: ۵۹-۶۱). به نظر میرمیران: "فضا جوهری‌ترین بخش معماری است" (میرمیران، ۱۳۷۸: ۹۵). نصر می‌گوید: «فضا با شکل مثبتی چون ساختمان، یا مجسمه تعریف می‌شود. شیء است که فضای اطراف خود را تعریف می‌کند و به این فضا معنا و هدف خاصش را می‌بخشد. در معماری اسلامی، فضا نه با شیء مثبت، بلکه با عدم حضور جسمانیت یا مادیت تعریف می‌شود» (نصر، ۱۳۷۵: ۱۸۳).

هندسه

به لحاظ مفهوم هندسه به معنای اندازه و شکل می‌باشد. از علوم ریاضی است و علمی است که در آن مطالعه در فضا، اشکال و اجسام قابل تصور در یک فضا باشند. این دانش همراه با حساب، یکی از دو شاخه قدیمی ریاضیات است. علم هندسه مثل همه علوم دیگر از مشاهده و تجربه ناشی شده و ارتباط جدی با احتیاجات اقتصادی بشر دارد. تناسبات نیز مفهومی ریاضی است که بر اساس رابطه‌ی مناسب میان اجزاء با یکدیگر و با کل اثر دلالت دارد. تقریباً همه‌ی آثار هنری (و معماری) بر اساس نوعی تناسب به وجود آمده‌اند. از این جهت تناسب یکی از اصول اولیه اثر هنر است که رابطه هماهنگ میان اجزاء آن را بیان می‌کند (بمانیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۵). کاربرد تناسبات به دلیل ایجاد زیبایی بصری در هنرهای تجسمی و معماری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و تقریباً همه آثار هنری بر اساس نوعی تناسب به وجود آمده‌اند (نجفقلی پورکلانتری و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۷۷). تاکید اصلی معماری و شهرسازی ایرانی بر نوعی جهان‌بینی زیباشناسانه (هندسه و تناسبات) استوار بوده است (بختیار نصرآبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۴۲). ایرانیان در طول قرن‌های متمادی همواره ارزش والایی برای زیبایی قائل بوده و علم هندسه را ابزار قدرتمندی برای این کار می‌دانسته‌اند که با استفاده از آن توانسته‌اند تعادل، هماهنگی، زیبایی و نظم را (در تشکیل ساختار فیزیکی معماری و هنری) بیافرینند. معماری دوره اسلامی با الهام از هندسه پنهان، چشمان مخاطب را جمال زیبایی هستی منور ساخته و او را در "سیر جمالی الی الله، که جز با غوطه ور شدن در نظام شگفت آور هستی امکان پذیر نیست، همگام می‌سازد. (معماران و هنرمندان) با استفاده از اعداد و تناسبات، نقوش را به هم مرتبط ساخته؛ به این صورت که در این سیر هر عددی اشارات به یک وجه کمی و هر شکل اشارات به یک صورت مثالی دارد و همه اینها از طریق هندسه به هم پیوند می‌خورند و حیات می‌گیرند" (Nadimi, ۱۹۸۸: ۳۲). سید حسین نصر در کتابش به نام علم در اسلام، بر اهمیت هندسه در معماری اسلامی تاکید دارد. هندسه و تناسبات، جزء گسست ناپذیر معماری محسوب می‌شوند؛ زیرا مبنای

کار معماری «ساختن» است و برای ساختن لازم است از یک هندسه و نظم دقیق استفاده شود. هندسه به طور کلی در طراحی و ساخت کاربرد دارد. ساخت هندسی بناهای تاریخی دوران اسلامی، تجلی حکمت اسلامی (مهدوی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۶۰) در کالبد بناهای این دوران کاملاً مشهود و نمایان است.

عناصر معماری

عناصر معماری از ویژگی‌های بصری و زیبایی برخوردار بوده و به‌عنوان بخش مهمی از ویژگی‌های زیبایی‌شناسی و اجزای کالبدی معماری محسوب می‌شوند. طرح و فرم عناصر معماری در یک کالبد مفهومی و کاملاً سازگار با عملکرد مورد انتظار با توجه به توجیحات فنی و منطبق با جنبه‌های بصری داخلی و خارجی محیط و کالبد معماری در نظر گرفته می‌شود. بخشی از این عناصر به صورت ساختار اصلی (فیزیکی؛ ابعاد، تناسبات، رنگ و ...) بنا و بخشی به‌عنوان جنبه مفهومی و معنایی (نماد و نشانه‌ها)، و بخش زیادی دیگر به عنوان الحاقات (جنبه تزئینی و معنایی) معماری در نظر گرفته می‌شود. زیبایی و کسب لذت از عناصر معماری نیز پیرو ویژگی‌های ساختاری "فیزیکی و بصری"، جنبه‌های مفهومی و نمادین "نماد و نشانه‌ها" و جنبه‌های الحاقی و تزئینی در نظر گرفته شده‌اند چرا که این عوامل با کلیت زیبایی کالبد فیزیکی معماری، تجربه‌های زیبایی‌شناسی و ادراکات حسی افراد در ارتباطند.

تزئینات

به طور مسلم بخش اعظمی از فرهنگ تصویری و هنری ایران (از دیرباز تاکنون) مربوط به مجموعه آثار تجسمی است که در وابستگی و تعامل با معماری و محیط شکل گرفته و به طور کلی سطوح این مکان‌ها را به انواعی از شیوه‌ها، جلوه‌های متمایز بخشیده است. زمانی که در منابع هنر ایران-اسلامی به بررسی نمونه‌ها می‌پردازیم، باتعابیری نظیر تزئینات معماری مواجه می‌شویم (اصطلاح «تزئینات معماری» در منابع هنر ایرانی-اسلامی بسیار رایج است (علوی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹: ۵). مفهوم «تزئین» در فرهنگ ایرانی ضمن اشاره به جنبه‌های دیداری و مرئی هم چون زیبایی‌های ظاهر و باطن، به عنوان زینت حقیقی به مرتبه‌ای متعالی اشاره دارد (همان: ۱۰). تزئینات جزء جدانشدنی و عمده در معماری اسلامی است و شاید کمتر بنای مذهبی وجود دارد، که تزئینات در آن نباشد. نکته اصلی در این باره یکی شدن ساختار و تزئینات در بنا است، به طوری که تزئینات چیزی جز از خود بنا و الحاقی آن نبوده و این حتی به استحکام اصلی بنا نیز کمک می‌کرده است (حاتم و استیزی، ۱۳۸۸: ۵۲-۴۵).

حس مکان

محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک می‌کنند (Rapaport, ۱۹۹۰). به‌همین خاطر حس مکان^{۱۹} ترکیبی است پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌هایی که شخص یا گروهی به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از فضا یا منطقه‌ای خاص ادراک می‌کنند. حس مکان به نگرش‌ها، جهان بینی‌ها و پیوند افراد با مکان مانند نام مکان، حکایات مربوط به مکان، تجربه‌های مکان و پیوندهای معنوی با مکان بستگی دارد (موسوی حاجی، و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۸). حس مکان به معنای مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره است. این حس می‌تواند در مکان زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد (Relph, ۱۹۷۶). ارزش‌های فردی و جمعی بر چگونگی حس مکان تأثیر می‌گذارد و حس مکان نیز بر ارزش‌ها، نگرش‌ها و به ویژه رفتار فردی و اجتماعی افراد در مکان تأثیر می‌گذارد و افراد معمولاً در فعالیت‌های اجتماعی با توجه به چگونگی حس مکان‌شان شرکت می‌کنند (Canter, ۱۹۷۱). بنابراین حس مکان، حسی است که شخص در نتیجه یک اتفاق یا سنت در درون خود شکل می‌دهد و با حس بازیابی و خواندن دوباره وقایع، نگهداری می‌شود (Jackson, ۱۹۴۴).

نادر اردلان، تاثیر مشترک کالبد و فضا را در مفهوم «حس مکان» خلاصه می‌کند. «این حس، ادراکی فراگیر از ظاهر تا باطن کالبد و فضا است که شاید در بخش‌های ظاهری تر، کالبد و در بخش‌های تجریدی تر و باطنی تر، فضا، عامل اصلی آن خواهد بود. امر مهم، حسی قاطع و معین از مکان است که هم شامل جسم است، و هم شامل روح و وجود آن محسوس و ملموس نیست، بلکه فقط در شعور و فهم بیننده وجود دارد که حدود جسمانی شیء را با چشم ادراک می‌کند و با عقل، روح مکان را به عنوان محتوا و مضمون تشخیص می‌دهد» (اردلان، ۱۳۶۵: ۱۱).

وحدت و تنوع

هر ساختمانی مایل است که خود را به‌عنوان یک کلیت مطرح سازد. از این جا گرایش به وحدت به وجود می‌آید (گروت، ۱۳۸۶: ۵۵۰). نادر اردلان معماری نمایش دهنده‌ی گوناگونی ابزار و تعدد حالات رسیدن به وحدت است (اردلان و بختیار، ۱۳۹۱: ۴۰). جهان‌بینی توحیدی، ساختار عمقی هنرهای اسلامی را شکل می‌دهد. این وحدت‌نگری همچون گشتالتی، فراتر از اجزاء، از عمق جهان‌بینی به سطح پدیدارها آمده و کثرت و تعدد عناصر در سطح را به هم پیوند می‌دهد (اسلامی و شاهین راد، ۱۳۹۱: ۴۵). زهرا رهنورد در کتاب حکمت و هنر اسلامی، با مطرح نمودن بحث وحدت اشاره می‌کند که: «وحدت در هماهنگی و انسجام عالم کثرت و در نظم و توازن انعکاس می‌یابد» وی همچنین دیدگاه بوکهارت را در این زمینه بیان می‌کند که گفته است: «هنر اسلامی تجربه‌ای زیبایی‌شناختی از وحدت و کثرت‌های جهان است که در این تجربه، کلیه کثرت‌ها در حوزه نظم بدیع به وحدت تبدیل می‌شوند و از کثرت تشویش‌ها بگریزند و به آرامش وحدت بازگردند.» (رهنورد، ۱۳۸۸: ۲۳). از ویژگی‌های مهم تجربه‌زیبایی‌شناسی وحدت است که هم‌زمان، تجربه نامنظم را به گونه‌ای منظم تبدیل می‌کند: «چیزی که یک تجربه را به تجربه زیبایی‌شناسی تبدیل می‌کند دگرگون کردن ثبات و هیجانات (که لازمه تغییرند) به نحوی است که در نهایت منجر به ترکیب رضایت‌مندانه می‌شود» (انصاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۴). هر قدر تعادل میان وحدت و تنوع بیشتر باشد، کیفیت طراحی محیط بالاتر می‌رود (بانی‌مسعود، ۱۳۹۱: ۲۷۷). از این رو تعادل میان وحدت^{۲۰} و تنوع^{۲۱} به‌عنوان بخشی از زیبایی‌شناسی آثار اسلامی از نظر فرم، فضاهای به وجود آمده و انواع تزیینات می‌توان در نظر گرفت. تیتوس بوکهارت وحدت را محوری‌ترین نکته زیبایی‌شناسی در مقابل دیگر مکاتب زیبایی‌شناسی می‌داند. نادر اردلان از میان آفرینش‌های انسانی، معماری نمایش دهنده‌ی گوناگونی ابزار و تعدد حالات رسیدن به وحدت است (اردلان، بختیار، ۱۳۹۱: ۴۰).

محیط و مکان

بین هر موجود زنده و پیرامونش روابطی وجود دارد که ذاتی نیست و بیشتر اکتسابی است. انسان به مرور زمان و افزایش تجربیات و اطلاعاتی یادگرفته و در ذهنش قادر به شناخت همه اشیاء اطراف خود نمی‌باشد و به همین شناخت یاد گرفته کنترل محیط را دارد. در تصورات ما هر شیء در ارتباط با محیطی خاص مطرح می‌شود، مثلاً در خاطرات ذهنی خود "کتاب" را در کتابخانه یا روی میز می‌بینیم نه در یخچال یا روی پله (گروت، ۱۳۹۱). ما مسجد شیخ لطف الله را در میدان نقش جهان اصفهان می‌بینیم.

ماریو بوتارتباط یک ساختمان را با محیط پیرامونش چنین توضیح می‌دهد «هر اثر معماری دارای محیط ویژه خود است که بستر ساختمان نامیده می‌شود که تاثیری متقابل دارند» تحقیقات نشان می‌دهد که تجربه ادراکی از اثر معماری دارای محیط ویژه بر ساختمان محیط، به تجربه ادراکی یک ساختمان اثر چشمگیر دارد. یعنی ادراک بیننده از دو ساختمان مشابه در دو محیط متفاوت تغییر می‌کند پس در تجربه و درک یک ساختمان باید محیط را نیز به حساب آورد (گروت، ۱۳۹۱) هرچه ساختمان متعارف‌تر باشد اثر محیط بر ادراک کمتر است و بر عکس. مکان بخشی از فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارند صاحب "هویت" است (قائم‌فر، ۱۳۹۵: ۴۴).

معنایی و مفاهیم در معماری اسلامی ایران

گرایش به معنا و رمزگرایی در معماری سنتی محصول نگرشی است که این معماری به عالم هستی دارد (صالحی، ۱۳۸۶). معماری سنتی در بالاترین مرتبه خود سعی در تجلی حضور الهی در صور مادی دارد. لذا هنرهای خاصی در این دوره جایگاه خویش را پیدا می‌کند که سرآمد آنان هنر؛ خوشنویسی، هندسه، نقوش اسلیمی و نوع حضور رمزگونه عناصر خلقت مانند نور و آب و... نیز در این معماری به آن معانی خاصی می‌بخشند تا تجلی معنا در هنر اسلامی یاری‌گر باشند. همچنان که رنه‌گنون، فیلسوف فرانسوی نیز قائل به القای معانی با توسل به سمبلیسم و نمادگرایی در فضاهای معماری است و در عین توجه به ابعاد سمبلیک و متافیزیک در هندسه و اعداد، قائل به حقیقتی است که بیرون از زمینه نمادها و فضاهاست (Pinchard, ۲۰۰۵).

تحلیل داده‌ها بر اساس شاخص‌های عینی و ذهنی زیبایی‌شناسی معماری اسلامی

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از پرسشنامه‌های این تحقیق، در دو بخش زیر به بررسی داده‌ها انجام شده است.

- آمار توصیفی و اولویت‌بندی ویژگی‌های کالبدی بر اساس رویکرد هر یک از شاخص‌های زیبایی‌شناسی، بناهای و مساجد اسلامی، در دو بعد عینی و ذهنی در نظر گرفته شده است؛ که از دیدگاه مردم و معماران استخراج شده است.

الف) توزیع فراوانی شاخص‌های زیبایی‌شناسی در بعد عینی

در بررسی بعد "عینی" زیبایی‌شناسی معماری دوران اسلامی، ۲۶ شاخص در نظر گرفته شده است که در این میان، مطابق جدول شماره ۱ تعداد ۲۴ شاخص بیشترین تاثیر را در میزان زیبایی‌شناسی معماری اسلامی از نظر مردم داشته است و از دیدگاه معماران به ترتیب ۲۶ شاخص در اولویت می‌باشند (جدول ۱). همان طور که مشاهده می‌شود، از دیدگاه هر دو گروه، شاخص‌های حس وحدت، فرم بنا، فضای معماری، هندسه، مقیاس و تناسب، عناصر معماری، خوانایی، تقارن در اولویت‌های زیبایی معماری اسلامی قرار دارند.

جدول ۱- اولویت‌بندی شاخص‌های بعد عینی زیبایی‌شناسی معماری اسلامی- ماخذ: نگارندگان

دیدگاه معماران		دیدگاه مردم			اولویت	
فراوانی درصدی	فراوانی عددی	شاخص	فراوانی درصدی	فراوانی عددی	شاخص	
۹۰٪	۲۰۰	فرم بنا	۸۸،۷٪	۷۸۷	حس وحدت	۱
۸۷،۴٪	۲۰۰	حس وحدت	۸۳،۷٪	۷۸۰	تزیینات	۲
۸۷،۲٪	۲۰۰	تزیینات	۸۳،۲٪	۷۶۸	فضای معماری	۳
۸۵،۱٪	۲۰۰	فضای معماری	۷۵،۴٪	۷۶۵	فرم بنا	۴
۸۵٪	۲۰۰	مقیاس و تناسب	۷۴،۳٪	۷۲۱	هندسه	۵
۸۴،۱٪	۲۰۰	هندسه	۷۱،۲٪	۶۸۴	عناصر معماری	۶
۸۲،۵٪	۲۰۰	عناصر معماری	۷۹،۵٪	۶۷۲	خوانایی	۷
۷۷،۵٪	۲۰۰	تقارن	۶۷،۴٪	۶۷۰	ورودی	۸
۷۵،۲٪	۲۰۰	پیوستگی عناصر	۶۷،۲٪	۶۶۳	تقارن	۹
۷۳،۸٪	۲۰۰	عناصر الحاقی	۶۴،۴٪	۶۵۱	ریتم	۱۰
۷۲،۷٪	۲۰۰	ورودی	۶۴،۱٪	۶۴۸	نقوش اسلیمی	۱۱

۱۲	بعد	تنوع	۶۴۰	۶۴٪	تعادل	۲۰۰	۷۲,۵٪
۱۳	عینی	خوانایی	۶۳۲	۶۲,۴٪	تنوع	۲۰۰	۷۱,۸٪
۱۴		پیوستگی عناصر	۶۳۱	۵۹,۲٪	نور	۲۰۰	۷۱,۶٪
۱۵		رنگ	۶۲۴	۵۹,۱٪	آیات و اسماء	۲۰۰	۷۱,۵٪
۱۶		نور	۶۲۲	۵۸,۳٪	نقوش اسلیمی	۲۰۰	۷۱,۵٪
۱۷		مقیاس و تناسبات	۶۱۷	۵۷,۶٪	رنگ	۲۰۰	۷۰,۸٪
۱۸		نماد و نشانه‌ها	۵۷۱	۵۶,۷٪	ریتم	۲۰۰	۶۳,۳٪
۱۹		مصالح	۵۳۲	۵۴,۸٪	تکرار	۲۰۰	۶۱,۱٪
۲۰		آیات و اسماء	۵۲۸	۵۳,۱٪	نماد و نشانه‌ها	۲۰۰	۵۹,۶٪
۲۱		ظرافت	۳۸۶	۵۲,۹٪	سادگی	۲۰۰	۵۸,۸٪
۲۲		تعادل	۳۷۱	۵۲,۷٪	بافت و مصالح	۲۰۰	۵۸,۴٪
۲۳		پیچیدگی	۳۶۴	۵۲,۵٪	پیچیدگی	۲۰۰	۵۸,۳٪
۲۴		تکرار	۳۶۳	۵۲,۱٪	کیفیت	۲۰۰	۵۸,۱٪
۲۵		کیفیت	-	-	ظرافت	۲۰۰	۵۷,۸٪
۲۶		عناصر الحاقی	-	-	خوانایی	۲۰۰	۵۷,۷٪

ب) توزیع فراوانی شاخص‌های زیبایی‌شناسی ذهنی

در بررسی بعد «ذهنی» زیبایی‌شناسی معماری دوران اسلامی، ۱۶ شاخص در نظر گرفته شده است که مطابق با (جدول ۲) که در این میان، از نظر مردم تعداد ۱۴ شاخص بیشترین تاثیر را در میزان زیبایی داشته است. و از دیدگاه معماران و متخصصان نیز به ترتیب تعداد ۱۶ شاخص در اولویت زیبایی لحاظ نموده‌اند (جدول ۲). همان طور که مشاهده می‌شود، از دیدگاه هر دو گروه شاخص‌های حس‌مکان، ارزش تاریخی، معانی و مفاهیم، عملکرد بنا، معنویت، وحدت و تنوع، فرهنگ، تزیینات، فضای معماری، هویت در اولویت ارزشیابی زیبایی قرار دارد.

جدول ۲- اولویت‌بندی شاخص‌های بعد ذهنی زیبایی‌شناسی معماری اسلامی - ماخذ: نگارندگان

اولویت		دیدگاه مردم		دیدگاه معماران	
	شاخص	فراوانی عددی	فراوانی درصدی	شاخص	فراوانی عددی
۱	ارزش تاریخی	۷۸۷	۸۱,۳٪	حس‌مکان	۲۰۰
۲	حس‌مکان	۷۸۷	۷۸,۷٪	معانی و مفاهیم	۲۰۰
۳	عملکرد بنا	۷۸۰	۷۸,۶٪	معنویت	۲۰۰
۴	وحدت و تنوع	۷۶۸	۷۴,۲٪	فرهنگ	۲۰۰
۵	تزیینات	۷۶۵	۷۱,۴٪	فضای معماری	۲۰۰
۶	معنویت	۷۲۱	۶۸,۹٪	هویت	۲۰۰
۷	محیط و مکان	۶۸۴	۶۸,۶٪	هندسه	۲۰۰
۸	فرم بنا	۶۷۲	۶۷,۲٪	فرم بنا	۲۰۰
۹	اصالت	۶۷۰	۶۵,۹٪	وحدت و تنوع	۲۰۰
۱۰	عناصر معماری	۵۸۱	۶۳,۱٪	روابط معنایی	۲۰۰
۱۱	هویت	۵۶۳	۶۲,۷٪	زمینه‌گرایی	۲۰۰

۷۱,۸٪	۲۰۰	سبک	۵۳,۷٪	۵۴۱	معانی و مفاهیم	۱۲
۶۲,۸٪	۲۰۰	محیط و مکان	۵۲,۱٪	۵۳۹	خلاقیت	۱۳
۶۰,۴٪	۲۰۰	عملکرد بنا	۵۱,۳٪	۵۱۶	خوانایی	۱۴
۵۷,۶٪	۲۰۰	عناصر معماری	-	-	سبک	۱۵
۵۴,۸٪	۲۰۰	خلاقیت	-	-	-	۱۶

جدول ۳- اولویت‌بندی واکنش‌های عاطفی و احساسی نسبت به زیبایی‌شناسی بناهای دوره اسلامی از دیدگاه (مردم، معمار، گردشگران)

ردیف	شاخص	فراوانی عددی	فراوانی درصدی
۱	معنویت	۹۸۷	۸۸,۳٪
۲	آرامش	۸۶۵	۸۶,۶٪
۳	جذابیت	۷۸۱	۸۳,۹٪
۴	ستایش	۷۳۸	۷۷,۳٪
۵	خوشایندی	۶۸۹	۷۶,۶٪
۶	لذت	۶۲۷	۶۹,۴٪
۷	رضایت‌مندی	۵۸۳	۶۷,۸٪
۸	وابستگی	۵۳۹	۵۹,۸٪

جدول شماره ۴- بررسی رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته با ادراکات زیبایی‌شناسی معماری دوران اسلامی

ردیف	متغیرهای مستقل و وابسته با ادراکات زیبایی‌شناسی معماری دوران اسلامی	شاخص زیبایی	اولویت‌تأثیرگذاری	فراوانی عددی	فراوانی درصدی
			وابستگی	۷۲۱	۸۲,۷٪
			تحسین	۶۷۲	۷۷,۳٪
			رضایت‌مندی	۶۴۰	۶۳,۶٪
			وابستگی	۷۸۷	۸۲,۸٪
			ستایش	۷۶۸	۷۷,۳٪
			رضایت‌مندی	۶۴۰	۶۳,۶٪
			جذابیت	۶۸۴	۷۴,۶٪
			ستایش	۷۶۸	۷۷,۳٪
			لذت	۷۸۰	۷۱,۶٪
			آرامش	۷۸۷	۶۷,۷٪
			لذت	۷۸۰	۷۱,۶٪
			معنویت	۷۸۷	۸۸,۳٪
			تحسین	۶۷۲	۷۷,۳٪

۷۱,۶٪	۷۸۰	لذت	۵
۶۳,۶٪	۶۴۰	رضایت‌مندی	
۷۷,۳٪	۷۶۸	ستایش	
۶۹,۱٪	۷۲۱	خوشایند	
۶۳,۶٪	۶۴۰	رضایت‌مندی	
۷۹,۴٪	۷۲۱	وابستگی	
۶۳,۶٪	۶۴۰	رضایت‌مندی	
۵۹,۷٪	۶۲۲	مطلوبیت	
۷۹,۹٪	۶۲۲	مطلوبیت	
۶۳,۶٪	۶۴۰	رضایت‌مندی	
۵۹,۶٪	۷۲۱	خوشایند	
۷۷,۳٪	۶۷۲	تحسین	
۷۲,۷٪	۶۲۲	مطلوبیت	
۶۳,۶٪	۶۴۰	رضایت‌مندی	
۷۴,۶٪	۶۸۴	جذابیت	
۶۹,۱٪	۷۲۱	خوشایند	
۶۳,۶٪	۶۴۰	رضایت‌مندی	
۸۸,۳٪	۷۸۷	معنویت	
۶۷,۷٪	۷۸۷	آرامش	
۷۱,۶٪	۷۸۰	لذت	
۸۸,۳٪	۷۸۷	معنویت	
۶۷,۷٪	۷۸۷	آرامش	
۶۹,۱٪	۷۸۷	خوشایند	
۷۷,۳٪	۶۷۲	تحسین	
۷۱,۶٪	۷۸۰	لذت	
۶۹,۱٪	۷۲۱	خوشایند	

طبق نتایج به دست آمده از آمار تحقیق تحلیلی-کاربردی صورت گرفته نشان می‌دهد که از دیدگاه مردم و معماران صاحب نظر نسبت به زیبایی معماری اسلامی، معیارهایی بر ادراکات عینی و ذهنی کالبد و فضا و مکان معماری بیشترین تاثیر را دارند. همان طور که نتایج نشان می‌دهد، از دید مردم شاخص‌های عینی که نسبت به موضوع تحقیق در نظر گرفته شده است به ترتیب اولویت‌ها عبارتند از:

حس وحدت، تزیینات، فضای معماری، فرم بنا، تناسبات و هندسه، عناصر معماری، خوانایی، ورودی، تقارن.

نتایج بدست آمده از تحلیل و بررسی شاخص‌ها و اولویت‌های بعد ذهنی زیبایی‌شناسی کالبد، فضا و مکان معماری دوران اسلام، نشان می‌دهد که زیبایی برای ناظر (مردم و معماران) توانسته است حس معنویت، آرامش، جذابیت، لذت، تحسین، خوشایندی، رضایت‌مندی، ستایش و مطلوبیت معماری را برای افراد مختلف با ذهنیت‌های متفاوت فراهم

نماید. نتایج به دست آمده از شاخص‌های زیبایی در بعد ذهنی افراد با اولویت‌های زیر استخراج شده به ترتیب اولویت‌ها عبارتند از:

حس مکان، معانی و مفاهیم، معنویت، فرهنگ، فضای معماری، هویت، هندسه، فرم بنا، وحدت و تنوع، روابط معنایی، زمینه‌گرایی، سبک معماری.

نتیجه‌گیری

بررسی ابعاد زیبایی‌شناسی، حکایت از آن دارد که دیدگاه مردم و معماران نسبت به زیبایی معماری همواره یکی از وجوه اصلی تحلیل و تفسیر محیط و کالبد فیزیکی معماری می‌باشد. در این راستا نظریه زیبایی معماری اسلامی یک مسئله مهم است. البته باید توجه داشته باشیم که نظر مردم و معماران چگونه و طبق چه دیدگاهی به آن می‌پردازند مهمتر است. در این مسیر مسائل گوناگونی در مورد زیبایی معماری اسلامی وجود دارد. با در نظر گرفتن مکاتب فکری، سبک‌ها، سلیقه و ایده‌های زمان و مکان خود نظرات کاملاً مشابه و متفاوتی ارائه می‌شود. اما سوال اینجاست که آثار معماری اسلامی از چه لحاظ زیبا، جذاب و خوشایند محسوب می‌شوند؟ که محقق نسبت به اولویت‌بندی دو دیدگاه عینی و ذهنی و بررسی این دیدگاه اقدام نموده است. البته نباید انتظار داشته باشیم که پاسخ صریح و واحدی برای این پرسش وجود داشته باشد، چرا که زیبایی آثار معماری از خصوصیات ارزشمند، متعدد و گوناگونی برخوردار بوده و گاه ناظر طبق ذهنیت "انتظارات و توقعات ذهنی" و عینیتی "به صورت مستقیم و مقایسه‌ای" که از محیط و مکان معماری دارد به سوالات تحقیق، در ذهنش مواجه شده و به آنها واکنش نشان می‌دهد. نگارنده در این تحقیق به بررسی زیبایی‌شناسی عینی و ذهنی از دیدگاه مردم و معماران، نسبت به معماری دوران اسلام با توجه به مبانی زیبایی‌شناسی در رشته معماری پرداخته است. در این دیدگاه ساختار و محیط معماری دارای ویژگی‌های مختلف است که شامل: فرم معماری، فضا، انواع تزیینات، هندسه، انواع عناصر معماری و غیره ... بوده که مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از تحقیق حاضر ارزیابی و اولویت‌بندی زیبایی‌شناسی معماری با تاکید بر ابعاد عینی و ذهنی محیط و کالبد معماری دوران اسلامی بوده است. بررسی مبانی نظری و معیارهای تحقیق نشان دهنده موضوع مهم ادراک عینی زیبایی نسبت به محیط و کالبد معماری است. طبق بررسی‌ها و نتایج به عمل آمده از تعداد ۸۰۰ پرسش نام که بین اشخاص مختلف نظر سنجی شده و استخراج معیارهای معماران و صاحب نظران، زیبایی و ساختار کالبد معماری مورد توجه بوده است. ناظر با حضور فیزیکی در محیط و مکان معماری از طیف کثیری از ویژگی‌های فیزیکی و ساختاری از قبیل: فرم، فضا، تزیینات، عناصر معماری تا معانی و مفاهیم، و همچنین انبوه زیادی از ویژگی‌های مختلفی که موجب به وجود آمدن حس لذت از زیبایی معماری دوران اسلام در یک ساختار هدفمند و وحدت‌بخش شده، و طبق ارزیابی، شناخت و ادراکاتی که به صورت خودآگاه و ناخود آگاه ناظر از در مورد محیط و مکان معماری کسب نموده و باعث برانگیخته شدن انواع احساسات حسی و عاطفی از قبیل معنویت، آرامش، جذابیت، ستایش، خوشایندی، لذت، رضایت‌مندی، وابستگی و غیره برای ناظر پدید می‌آورد. در این مسیر ناظر طبق ذهنیاتی که به صورت تجربیات و انتظارات ذهنی که از زیبایی دارد انواع حالات مختلفی بر روی او تاثیر گذار بوده و همچنین ناظر طبق ابزاری شناسایی "عقل، ادراکات، ذوق، حساسیت" اقدام نموده و نسبت به زیبایی انواع مختلفی از سطوح زیبایی را برداشت می‌نماید. که در بالاترین آن کسب لذت از معنویت، معانی و مفاهیم تا پایین‌ترین سطح که به صورت برداشت و توقعات شخصی افراد را شامل می‌شود.

منابع

- اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۹۱)، حس وحدت؛ نقش سنت در معماری ایرانی، انتشارات موسسه علم معمار، تهران.
- اسلامی، سید رضا و شاهین‌راد، مهنوش (۱۳۹۱)، «بازشناسی اصل افقی گرایبی در معماری اسلامی»، فصلنامه کیمیای هنر، شماره ۲۰، سال اول، بهار ۹۱، صص ۴۱-۶۴.
- اسکروتین، راجر (۱۳۹۳)، زیبایی، ترجمه‌ی فریده فرودفر و امیر نصری، انتشارات مینوی خرد، تهران.
- اردلان، نادر (۱۳۶۵)، «ساختمان مفاهیم در معماری سنتی»، مجله‌ی معماری و هنر ایران، ش ۲۶ و ۲۵.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۸۱)، معماری و راز جاودانگی؛ راه بی‌زمان ساختن. ترجمه مهرداد قیومی بیده‌ندی. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- امین زاده، بهناز (۱۳۸۹)، ارزیابی زیبایی و هویت مکان، فصلنامه هویت شهر، سال پنجم، شماره ۷، صص ۳-۱۴.
- انصاری، مریم و نصرآبادی، حسنعلی بختیار و لیاقت‌دار، محمدجواد و باقری، خسرو (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر نظریه تجربه زیبایی شناسی جان دیوی»، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال یازدهم، دوره دوم، شماره ۱۴، صص ۵۴-۶۲.
- آرنه‌ایم، رودولف (۱۳۸۲)، پویه شناسی صور معماری، ترجمه: مهرداد قیومی بیده‌ندی، نشر سمت، تهران.
- آیوازیان، سیمون (۱۳۸۱)، زیبایی شناسی و خاستگاه آن در نقد معماری. مجله هنرهای زیبا. شماره ۱۲.
- بانی مسعود، امیر (۱۳۹۱)، معماری معاصر ایران، هنر معماری قرن، تهران.
- بحرینی، سیدحسین (۱۳۷۷)، فرایند طراحی شهری، دانشگاه تهران.
- بختیار نصر آبادی، آمنه و پورجعفر، محمدرضا و تقوایی، علی اکبر (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر نقش زیباشناسانه هندسه در شکل‌گیری فضای شهری چهار باغ عباسی، فصلنامه مطالعات شهری، شماره هفدهم، صص ۴۱-۵۳.
- بمانیان، محمد رضا و اخوت، هانیه و بقائی، پرهام (۱۳۸۹)، کاربرد هندسه و تناسب در معماری، انتشارات هله/طحان، تهران.
- بمانیان، محمد رضا (۱۳۸۶)، بررسی نقش خدا محوری در معماری مسلمانان، نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران، شماره ۵، جلد ۱۸، صص ۳۷-۴۴.
- بیکن، ادmond (۱۳۷۶)، طراحی شهرها: تحول شکل شهر از آتن باستانی تا برازیلیای مدرن، ترجمه: فرزانه طاهری، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه و ساکی، الهه (۱۳۹۳)، تجربه‌ی زیبایی شناختی محیط، دوره ۱۹، شماره ۳، صص ۵-۱۴.
- تاتارکوویچ، (۱۳۸۱)، فرم در تاریخ زیبایی شناسی، ترجمه‌ی کیوان دوستخواه، شماره ۵۲، صص ۶۱-۴۶.
- دامیار، سجاد (۱۳۹۲)، «رابطه وجوه ادراکی انسان با عوامل هویت بخش در معماری»، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶، تابستان ۹۳، صص ۹۱-۱۰۴.
- رهنورد، زهرا (۱۳۸۸)، حکمت و هنر اسلامی، چاپ پنجم، انتشارات دانشگاه تهران.

- ریخته گران، محمد رضا (۱۳۸۴)، هنر از دیدگاه مارتین هیدگر، فرهنگستان هنر، تهران.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۷۵)، «هویت و این همانی با فضا»، نشریه صفا، سال ششم شماره‌های ۲۰-۲۱ و ۲۲، صص ۱۰۰ تا ۱۰۶، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- چینگ، فرانسیس دی کی (۱۳۸۲)، معماری فرم، فضا و نظم، ترجمه: مریم رضوی، ناشر پرهام نقش، تهران.
- حاتم، غلامعلی و نفیسه استیری (۱۳۸۸)، «بررسی تزیینات اجرکاری در مناره خسروجرد سبزوار»، دوفصل نامه تخصصی هنرهای تجسمی نقش مایه، شماره ۳، صص ۴۵-۵۲.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۲)، از شار تا شهر، انتشارات دانشگاه تهران.
- صالحی، ابودر (۱۳۸۶)، «قدر مکان»، رساله کارشناسی ارشد مهندسی معماری. استاد راهنما: دکتر هادی ندیمی. یزد: دانشگاه یزد، دانشکده هنر و معماری.
- صارمی، علی اکبر (۱۳۷۸)، «در مورد معماری امروز ایران، فصلنامه معماری و شهرسازی»، ش ۵۰ و ۵۱، صص ۱۷۳-۱۷۱.
- علوی‌نژاد، سید محسن و نادعلیان، احمد و کفشچیان‌مقدم، اصغر و شیرازی، علی اصغر (۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی در کاربرد دو اصطلاح "تزیینات معماری" و "دیوارنگاری" در منابع هنر اسلامی»، فصلنامه گره، شماره ۱۵، تابستان ۸۹، صص ۵-۶.
- قائمی‌فر، شقایق (۱۳۹۵)، الگوی زیبایی‌شناسی در معماری بر اساس دسدگاه اندیشمندان اسلامی، مجله مطالعات هنر و معماری، جلد ۴، شماره ۶ (پیاپی: ۱۳)، صص ۳۷-۴۷.
- کریمی، مهرداد (۱۳۸۹)، «زیبایی برج از نگاه شهروندان؛ بررسی رویکرد زیباشناسانه شهروندان تهرانی به ساختمانهای بلند»، مجله منظر، شماره ۱۱، ویژه منظر شهری تهران، آبان و آذر، صص ۶۱-۵۶.
- گات، بریس و دومینیک مک آیور لوپس (۱۳۸۶)، دانشنامه زیبایی‌شناسی، ترجمه فرهاد ساسانی، منوچهر صانعی دره بیدی، امیر علی مددپور، تهران.
- گروتز، یورگ کورت (۱۳۹۱)، زیبایی‌شناسی در معماری، ترجمه: جهان شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- لنگ، جان (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه علیرضا عینی‌فر، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- مددپور، محمد (۱۳۸۳)، آشنایی با آرای متفکران درباره هنر، سوره مهر، تهران.
- موسوی حاجی، سید رسول و شریفی، مصطفی، شفیعی‌فر، فرزاد (۱۳۹۱)، «رویکردی باستان‌شناسانه به بازشناسی مفاهیم کاربردی و معنوی عناصر معماری دوران اسلامی ایران بر پایه دیوان اشعر حافظ شیرازی»، مجله نامه‌ی باستان‌شناسی، شماره ۳، دوره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۴۵-۶۱.

- مولوی، مهرناز (۱۳۸۵)، «پایان نامه دکتری تخصصی شهرسازی با عنوان: تحلیل زیباشناختی کالبد فضای شهری»، دانشگاه تهران، تهران.
- موسوی رکنی، سید محمدهادی (۱۳۹۴)، نقد و بررسی عینیت زیبایی شناختی از منظر فرانک سیبلی، فصلنامه کیمیای هنر، سال چهارم، شماره ۱۴، بهار ۹۴، صص ۶۳-۵۴.
- معظمی، منوچهر (۱۳۹۰)، «تلقی استاد از فضا و تاثیر آن بر آموزش معماری»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۸، صص ۵۷-۶۸.
- میرمیران، سیده‌ادی (۱۳۷۸)، «جریانی نو در معماری امروز ایران، فصلنامه معماری و شهرسازی»، ش ۵۰-۵۱، صص ۴۰-۴۸.
- مهدوی‌نژاد، محمد جواد (۱۳۸۳)، «حکمت معماری اسلامی، جستجو در ژرف ساخت های معنوی معماری اسلامی ایران»، مجله هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۱۹، ص ۶۰.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۵)، هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، دفتر مطالعات دینی هنر، تهران.
- هنفلینگ، اسوالد (۱۳۸۱)، چیستی هنر، ترجمه علی رامین، انتشارات هرمس، تهران.
- یوسفیان، جواد (۱۳۷۹)، «نگاهی به مفهوم زیبایی‌شناسی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، دوره ۴۳، شماره ۱۷۷، صص ۱۳۵-۱۷۲.
- Canter, D. 1971, *The Psychology of Place*, London: the Architectural Press.
- Gibberd, F., (1955), *Town Design*, London: Architectural Press.
- Halprin, L. (1966), *Freeways*, New York, Reinhold.
- Smith, P. F. (۲۰۰۳). *The Dynamic of Delight; Architecture and Aesthetics*, London: Routledge.
- Sitte, C. (1945), *The Art of Building Cities*, Translated by Charles T. Stewart, New York: Van Nostrand Reinhold.
- Kaplan. R. and Kaplan. S. (1991), *The experience of nature: A psychological perspective*, Cambridge University Cambridge, UK.
- Kaplan. S. (1987), *Aesthetics, affect and cognition: environmental preferences from an evolutionary perspective*, *Environment and Behavior* 19.
- Pinchard, B.(2005). "Symbol and space according to Rene Guenon", in edited book entitled: "Mathematics and the Divine – A historical Study", editors: Luc Bergmans and Teun Koetsier; Elsevier, Oxford, UK.
- Nadimi, H. (1998)., *Actual Role*, Academy of Sciences, No.14-15. [In Persian].

- Rapoport, A. (1990), The meaning of the built environment: a nonverbal communication approach, Tucson: the University of Arizona Press.
- Relph, E. 1976, "Place and Placelessness", London: Pion Press.
- Jackson, John Brinckerhoff. 1994, A sense of place, a sense of time. New Haven: Yale University Press.

